




Sociological analysis of the novel Beirut 75 by Ghada al-Samman based on the theory of developmental structuralism

Ebrahim Namdari¹, Askar Babazadeh Aghdam² & Mustafa Mohammadzadeh³

1 Corresponding author, Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran. Email: enamdari@abru.ac.ir




2 Associate Professor of Arabic Language and Literature in Holy Quran Sciences and Knowledge University, Qom, Iran. Email: Babazadeh@quran.ac.ir

3 Master student of Payam Noor University, Tehran, Iran. Email: mostafimohammadzadeh@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received 2025 Mar 14 Received in revised form 2025 May 09 Accepted 2025 Jul 17 Published online 2025 Sep 25</p> <p>Keywords: Lucien Goldman, sociology of literature, criticism of developmental structuralism, Ghada al-Samman, Beirut 75.</p>	<p>The sociology of literature, as a sub-branch of sociology, analyzes the social production of literature and its social consequences. This research explores a sociological analysis of Ghada al-Samman's novel "Beirut '75" based on Lucien Goldmann's genetic structuralism theory. The main goal of the research is to explore the social and cultural dimensions embedded in the novel and to analyze the role of social structures in shaping and reflecting the social issues of that time. Sociological analysis focuses on examining social realities, describing, comparing, and analyzing human societies as well as the behavior and actions of people within society according to their time, place, and causes. The findings show that this novel, by focusing on topics such as poverty, class inequalities, ethnic issues, fame, and lust, has clearly represented the critical situation and challenges of Beirut society in the 1970s; the social structures within the work, combined with the author's genius, have provided a comprehensive and multi-layered picture of the social, cultural, and political crises of that period, emphasizing the importance of the sociological study of literature in a deeper understanding of social transformations.</p>
<p>Cite this article: Namdari, E., & et al., (2025)., Sociological analysis of the novel Beirut 75 by Ghada al-Samman based on the theory of developmental structuralism. <i>Arabic Prose Studies</i>, 2 (3). 71-86. DOI: https://doi.org/10.22091/npa.2025.12478.103</p>	
	<p>© The Author(s) DOI: 10.22091/npa.2025.12478.103</p> <p>Publisher: University of Qom</p>



تحليل سوسولوجي لرواية بيروت ٧٥ لغادة السمان على أساس نظرية البنيوية التمنوية

إبراهيم نامداري^١ , عسكر بابازاده أقدم^٢  و مصطفى محمدزاده^٣ 

١. الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك في قسم العلوم القرآنية والحديث، جامعة آية الله بروجردي، بروجرد، إيران. البريد الإلكتروني: enamdari@abru.ac.ir
٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة العلوم والمعارف القرآنية، قم، إيران. البريد الإلكتروني: Babazadeh@quran.ac.ir
٣. ماجستير فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة بيام نور، طهران، إيران. البريد الإلكتروني: mostafimohamadzadeh@gmail.com

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تدرس سوسولوجية الأدب، كإحدى فروع علم الاجتماع، الإنتاج الاجتماعي للأدب وتحليل تبعاته الاجتماعية. في هذا البحث، تم استكشاف التحليل الاجتماعي لرواية "بيروت ٧٥" لغادة السمان بناءً على نظرية البنيوية التكوينية للوسيان غولدمان. الهدف الرئيسي من البحث هو استكشاف الأبعاد الاجتماعية والثقافية الواردة في الرواية وتحليل دور الهياكل الاجتماعية في تشكيل وعكس القضايا الاجتماعية في ذلك الوقت. يُعنى التحليل الاجتماعي بدراسة الحقائق الاجتماعية، وشرحها، ومقارنة المجتمعات البشرية وتحليلها، وسلوك الإنسان وأفعاله في المجتمع حسب الزمان والمكان وأسبابها. تشير نتائج الدراسة إلى أن هذه الرواية، من خلال التركيز على موضوعات مثل الفقر، وعدم المساواة الطبقيّة، والقضايا العرقية، والشهرة والشهوة، تمكنت من تمثيل الوضع الحرج والتحديات التي واجهها مجتمع بيروت في سبعينيات القرن الماضي؛ حيث تمكنت الهياكل الاجتماعية داخل العمل، جنبًا إلى جنب مع عبقرية الكاتبة، من تقديم صورة شاملة ومتعددة الطبقات للأزمات الاجتماعية والثقافية والسياسية لتلك الفترة، وتؤكد على أهمية الدراسة الاجتماعية للأدب في الفهم الأعمق للتطورات الاجتماعيّة.
تاريخ الاستلام: ١٤ مارس ٢٠٢٤	
تاريخ المراجعة: ٠٩ مايو ٢٠٢٥	
تاريخ القبول: ١٧ يوليو ٢٠٢٥	
تاريخ النشر: ٢٥ سبتمبر ٢٠٢٥	
الكلمات الرئيسية:	
لوسيان غولدمان، سوسولوجية الأدب، البنيوية التمنوية، عادة السمان، بيروت ٧٥.	

الاقباس: نامداري، إبراهيم و زملاؤه. (١٤٠٤). «تحليل سوسولوجي لرواية بيروت ٧٥ لغادة السمان على أساس نظرية البنيوية التمنوية». بحوث في النشر

العربي، ٢ (٣). صص: ٧١-٨٦. <https://doi.org/10.22091/npa.2025.12478.103>





تحلیل جامعه شناختی رمان بیروت ۷۵ اثر غاده السمان بر پایه نظریه ساختارگرایی

تکوینی

ابراهیم نامداری^۱، عسگر بابازاده اقدم^۲ و مصطفی محمدزاده^۳

۱ نویسنده مسول: دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران. رایانامه: enamdari@abru.ac.ir

۲ دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. رایانامه: Babazadeh@quran.ac.ir

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران. رایانامه: mohamadzadeh@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	جامعه‌شناسی ادبیات به عنوان یکی از زیرشاخه‌های جامعه‌شناسی، به بررسی آثار ادبی با رویکرد اجتماعی و پیامدهای آن می‌پردازد و تأثیرات متقابل ادبیات و جامعه را مورد کنکاش قرار می‌دهد. در این پژوهش، رمان «بیروت ۷۵» اثر غاده السمان از منظر جامعه‌شناختی و با تکیه بر نظریه ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. هدف اصلی این بررسی، عمیق‌تر کردن فهم ابعاد اجتماعی و فرهنگی مندرج در رمان و واکاوی نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری و بازتاب مسائل اجتماعی در آن زمان است. تحلیل جامعه‌شناختی بر واقعیات اجتماعی، رفتار و کردار انسان‌ها در جوامع مختلف منابع و زمینه‌های تحلیل را فراهم می‌آورد و این امکان را می‌دهد که بتوانیم جوامع انسانی را بر حسب زمان، مکان و علل پیدایش رفتارها و ناهنجاری‌های اجتماعی تبیین کنیم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رمان «بیروت ۷۵»، با تمرکز بر موضوعاتی چون فقر، نابرابری‌های طبقاتی، مسائل قومی، و همچنین مفاهیمی چون شهرت و شهوت، توانسته است به روشنی وضعیت بحرانی و چالش‌های حاکم بر جامعه بیروت در دهه ۱۹۷۰ را به تصویر بکشد. ساختارهای اجتماعی موجود در متن، به همراه نبوغ ادبی نویسنده، تصویر جامع و چندلایه‌ای از بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن دوره ارائه می‌دهد. این رمان نه تنها به بازنمایی واقعیت‌های تلخ و چالش‌های جامعه بیروت می‌پردازد، بلکه بر اهمیت مطالعه جامعه‌شناختی ادبیات تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ادبیات می‌تواند ابزاری مؤثر برای درک عمیق‌تر تحولات اجتماعی و روندهای فرهنگی باشد. بدین ترتیب، نتایج این پژوهش می‌تواند به تبیین رویکرد جدیدی در مطالعات ادبی و جامعه‌شناختی کمک کند و به شناساندن نقش کلیدی ادبیات در شکل‌دهی و نمایاندن واقعیت‌های اجتماعی بپردازد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳	
کلیدواژه‌ها: لوسین گلدمن، جامعه‌شناسی ادبیات، نقد ساختارگرایی تکوینی، غاده السمان، بیروت ۷۵.	

استناد: نامداری، ابراهیم و همکاران. (۱۴۰۴). «تحلیل جامعه شناختی رمان بیروت ۷۵ اثر غاده السمان بر پایه نظریه ساختارگرایی تکوینی». *شهر پژوهی عربی*، ۲ (۳).

صص: ۸۶-۷۱. <https://doi.org/10.22091/npa.2025.12478.103>



۱) مقدمه

رمان می‌تواند بستری برای تحلیل و تبیین نقش ساختارهای اجتماعی در شکل‌گیری و بازنمایی مسائل اجتماعی-فرهنگی، باشد؛ به طوری که بسیاری از مطالعات در حوزه ادبیات و جامعه‌شناسی بر اهمیت تاثیرپذیری آثار ادبی از زمینه‌های اجتماعی تأکید دارند. تحلیل جامعه‌شناختی به تحلیل، شرح و مقایسه واقعیت‌های اجتماعی پرداخته، رفتار و کردار انسان‌ها را در جامعه بر حسب زمان، مکان و علت آنها، تبیین می‌کند. زرین کوب معتقد است: «روش نقد اجتماعی به تأثیر متقابل ادبیات و جامعه می‌پردازد» (زرین کوب، ۱۳۷۸ش: ۴۱). پس می‌شود گفت که ادبیات و جامعه هر دو در حال تحول هستند و تأثیرات مستقیمی بر یکدیگر دارند به طوری که غالباً فعالیت ادبی همواره با فعالیت اجتماعی در یک مسیر قرار دارند و همچون مکملی یکدیگر را تکمیل می‌کنند و نویسنده بر اساس مشکلات و مسائل جامعه که وجودش را در بر گرفته با خلق یک اثر هنری و ادبی به ارضای روح و رسیدن به هدفش که همان بازگو کردن مشکلات است در قالب رمان، نائل می‌شود. بنابراین «هر اثر ادبی، نمودی اجتماعی است و گرنه برای کسی که در گوشه عزلت، بخواهد خویشتن را آزاد کند و در طلب پیوند با سایر مردم نباشد، ساختن ادبیات عبث خواهد بود» (فرزاد، ۱۳۷۸ش: ۷۶).

در ساختارگرایی تکوینی، رابطه جامعه و اثر هنری، به شیوه‌ای دقیق و ساختارمند بررسی می‌شود. گلدمن بر آن است که در خلق یک اثر ادبی، هم فرد و هم طبقات و گروه‌های اجتماعی جامعه نقش آفرینی دارند. وی معتقد است: «میان فرم ادبی رمان و رابطه روزمره انسان‌ها با کالاها به طور کلی و به معنایی گسترده‌تر، رابطه روزمره انسان‌ها با همدیگر، در جامعه‌ای که برای بازار تولید می‌کند، هم خوانی دقیق وجود دارد» (گلدمن، ۱۳۷۱ش: ۲۹). برای دست یافتن به معنای آثار فرهنگی، به دو مفهوم درک و تبیین اشاره می‌کند. دریافت (ادراک)، یعنی شناخت ساختار معنادار اثر و تشریح (تبیین)، یعنی گنجاندن ساختار معنادار اثر در ساختار فراگیر اجتماعی. دریافت، نتیجه شناخت قوانین درونی ساختار اثر است و تشریح در پی گنجاندن دیالکتیکی این ساختار در کلیت تاریخی - اجتماعی به دست می‌آید» (گلدمن، ۱۳۸۰ش: ۷۵).

گلدمن در شیوه خود می‌کوشد تا ارتباط ساخت درونی اثر را با ساخت فکری (جهان‌بینی) طبقه اجتماعی نویسنده آشکار کند به طوری که هر چه این رابطه محکم‌تر باشد، اعتبار هنری آن نیز بیشتر است. از دیدگاه وی آثار هنری در مرحله نخست، ساخت ذهن نویسنده نیست، بلکه ساخت ذهن کلی اجتماع است؛ یعنی ارزش‌ها و آمالی که در اجتماع وجود دارد. به طور کلی «گلدمن به دنبال کشف روابط ساختاری بین اثر ادبی، جهان‌بینی صاحب اثر و تاریخ است و اینکه چگونه وضعیت تاریخی یک گروه اجتماعی از طریق جهان‌بینی نویسنده به ساختی ادبی تبدیل می‌شود» (شمیسا، ۱۳۷۸ش: ۲۵۷). از میان آثار ادبی معاصر، رمان مهم‌ترین شکل ادبی روزگار و تصویر عینی از وضع موجود است. «رمان بعد استنادی و شناختی آشکارتری نسبت به شعر دارد که بین شخصیت‌های آن، با افراد یا طبقات اجتماع، ارتباط وجود دارد؛ بنابراین متن ادبی نه صرفاً تصویر جامعه و نه ترسیم سخنی نظری، بلکه مسائل اجتماعی را به مسائل معنایی و روایی تبدیل می‌کند» (زیم، ۱۳۷۷ش: ۱۸۶).

رمان، به عنوان قالبی برای انعکاس واقعیت‌ها می‌کوشد تا به بهترین روش بازتاب حوادث جامعه و کارکردهای مبنایی اجتماع باشد تا خواننده بتواند به راحتی خود را در دنیای داستانی رمان، تصور کند. در این مقاله، ضمن بررسی رابطه جامعه و ادبیات، و اشاره به مفهوم جامعه‌شناختی ادبی، به رابطه فرد و جامعه‌ی در تحول لبنان و چالش‌های میان سنت و مدرنیته در رمان پرداخته شده و برای فهم بهتر این تحولات، رمان «بیروت ۷۵» با رویکردی جامعه‌شناختی مبتنی

بر نظریه لوسین گلدمن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. در این فرآیند، عناصر مختلف تشکیل‌دهنده محتوا و ساختار اثر به دقت مطالعه می‌شود و سپس بر اساس مولفه‌های نظریه گلدمن، از جمله ساختار معنادار، جهان‌نگری و فاعل آفرینش‌های هنری، تحلیل انجام می‌گردد. در ادامه، این مؤلفه‌ها بر مبنای هنجارهای جامعه‌شناختی موضوع مطالعه قرار می‌گیرند تا ارتباط و تناسب آن‌ها با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روشن گردد.

۱-۱) بیان مسأله

درک و مطالعه جامعه‌شناسی ادبیات، به عنوان شاخه‌ای میان‌رشته‌ای، از دو جنبه اهمیت دارد: نخست آن که این دانش نقطه تلاقی و اوج ادبیات است که با حوزه‌های زبان‌شناسی و فلسفه پیوند دارد، و دوم اینکه با علوم اجتماعی و تاریخ در ارتباطی نزدیک قرار دارد. یکی از اصول پایه‌های بنیادی در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات، مفهوم فلسفه و زیباشناسی است؛ چرا که این حوزه‌ها نقش کلیدی در شکل‌گیری آن ایفا می‌کنند. بررسی تاریخچه این شاخه نشان می‌دهد که رابطه ناگسستنی میان فلسفه و جامعه‌شناسی وجود دارد؛ به‌خصوص اینکه، شکل‌گیری جامعه‌شناسی ادبیات ریشه در فلسفه‌های کلاسیک آلمان، مانند کانت، هگل و مارکس دارد. علاوه بر این، گلدمن در تحلیل جامعه‌شناسی رمان، تلاش می‌کند تا اختلاف زمانی میان ذهن، عین و جهان را در بستر تحلیل‌های جامعه‌شناختی، به‌ویژه در چارچوب نظریه ماتریالیستی-دیالکتیکی، تبیین کند. از همین رو، گلدمن سه مرحله را در تکامل سرمایه‌داری متمایز می‌سازد که با سه مرحله در تحول ادبی همراه است: ۱- سرمایه‌داری آزاد (لیبرال) که با رشد فردگرایی مبتنی بر اصل آزادگذاری، ابتکار و اقدام فردی مشخص می‌شود ۲- پیدایش سرمایه‌داری انحصارها که «حذف هرگونه اهمیت اساسی فرد و زندگی فردی در درون ساختارهای اقتصادی و در نتیجه در مجموعه زندگی اجتماعی را در پی دارد» (گلدمن، ۱۳۷۱ش: ۴۱). ۳- گسترش نظام‌های دخالت دولتی و ساختارهای تنظیم خودکار که به حذف هرگونه ابتکار فردی یا گروهی می‌گرایند.

جورج لوکاک اندیشمندی است که با نظریه رمان خود بر تمام عرصه جامعه‌شناسی ادبیات مسلط شده است. وی در اثر انتقادی (نظریه رمان)، راه پژوهش‌های ادبی را با شیوه‌ای جدید و ابداعی گشود (سلدون و ویدسون، ۱۳۷۷ش: ۸۴). نقش اصلی جامعه‌شناسی ادبیات در بررسی و تبیین روابط و ساختارهای اجتماعی است، به گونه‌ای که وظیفه آن تحلیل ارتباطات علی و معلولی در جامعه است. تأکید می‌شود که قبل از ظهور هر اثر ادبی، جامعه‌ای وجود دارد که نویسنده در بستر آن فعالیت می‌کند. در نتیجه، وظیفه نویسنده این است که مسائل اجتماعی را از زاویه‌ای خاص، و شاید نوآورانه، بازتاب دهد. از ابتدای پیدایش ادبیات، به‌ویژه ادبیات داستانی، همواره تلاش کرده است تا وضعیت و شرایط اجتماعی را به تصویر بکشد و از طریق روش‌های مختلف، جوامع گوناگون را مورد ارزیابی قرار دهد و وقایع و حوادث داستانی را در بستر آن پالایش کند. بنا بر نظر لوکاک، هر فردی جهان هنری ویژه خود را می‌آفریند. شیوه‌های گوناگون زندگی افراد باعث می‌شود که آن‌ها درون مایه‌های هنری خاص خود را خلق کنند. بین ساختار ادبی و ساختار ذهنی خالق آن رابطه دیالکتیکی وجود دارد. بر خلاف حماسه که به جمع می‌پردازد، رمان به دنیای فرد توجه دارد. بنابراین قهرمان رمان فرد مسئله‌دار است، تقسیم‌کار و عقلانی شدن آن بروکراسی وسیع و اهمیت کالا و پول در جامعه مدرن، انسان‌ها را به موجودی از خود بیگانه تبدیل کرده است. این اوضاع باعث شده است که انسان مسئله‌دار، پدید بیاید. (لوکاک، ۱۳۸۰ش: ۱۸۵) این مطالعه امکان دارد بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی یک ملت را از طریق تحلیل و کشف ارتباط دیالکتیکی و دوطرفه میان اثر ادبی و وضعیت اجتماعی حاکم بر جامعه آن دوره نشان دهد. علاوه بر این، می‌تواند نوع و

شکل روابط میان طبقات مختلف جامعه را توضیح دهد و نقش نیروهای جمعی فعال در فرآیندهای تحول اجتماعی در جامعه مورد مطالعه را نمایان سازد.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱- کدام یک از واقعات‌های اجتماعی در این اثر بازتاب یافته و تحلیل جامعه‌شناختی تا چه اندازه در رمان بیروت ۷۵ کاربرد داشته است؟

۲- ایدئولوژی حاکم بر این رمان چیست و چه تاثیری بر محتوای آن داشته است؟ نویسنده با چه شیوه‌ای از مسائل و مشکلات اجتماعی حاکم بر جامعه مورد بحث در رمان پرده برداشته است؟

۳- آیا نویسنده فقط به بازآفرینی مشکلات روز جامعه در این اثر پرداخته یا افزون بر طرح مشکلات، راه حل آنها را نیز بیان کرده است؟

۱-۲) پیشینه تحقیق

در زمینه تحلیل جامعه‌شناختی در زبان و ادبیات عربی، کتاب‌های ارزشمندی به نگارش درآمده‌اند که به بررسی ارتباط بین ادبیات و جامعه می‌پردازند. در این میان، یکی از آثار برجسته، کتاب "علم اجتماع الادب: مناہج و تطبیقات" اثر ابراهیم فضل‌الله است که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است. نویسنده در این اثر به تحلیل دقیق رابطه بین ادبیات و جامعه می‌پردازد و تأکید می‌کند که برای فهم عمیق و دقیقتری از متن ادبی، ضروری است که جامعه مربوطه نیز مورد بررسی و شناخت قرار گیرد. فضل‌الله با بررسی روش‌های مختلف تحلیل اجتماعی، سعی دارد تا نشان دهد که چگونه عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌توانند بر شکل‌گیری و تفسیر آثار ادبی تأثیر بگذارند. این کار به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از بستر اجتماعی و تاریخی نویسندگان و نحوه تأثیرگذاری آن بر خلق و انتخاب مضامین ادبی داشته باشیم. از این رو، کتاب او نه تنها به عنوان یک منبع نظری برای پژوهشگران ادبیات بلکه به عنوان راهنمایی برای تحلیل‌گران اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار حائز اهمیت است. با توجه به این رویکرد، می‌توان انتظار داشت که تحلیل‌های جامعه‌شناختی در ادبیات عربی، ابعاد جدیدی از فهم و تفسیر آثار ادبی را فراهم آورده و تأثیرات متقابل ادبیات و جامعه را به خوبی نمایان سازد. پایان‌نامه‌ای نیز با عنوان "بررسی تطبیقی آثار غاده السمان و فروغ فرخزاد"، از مصطفی جوانرودی در دانشگاه تهران به سال ۱۳۸۷ به رشته تحریر درآمده است که به مقایسه آثار غاده سمان و فروغ فرخزاد می‌پردازد و بیشتر بر مسأله زن و مسائل اجتماعی پیرامون زن در جامعه نظر داشته است و به این نتیجه می‌رسد که غاده السمان تحت تأثیر فروغ فرخزاد است. در ایران نیز تاکنون در مبحث جامعه‌شناختی ادبیات عرب و به ویژه رمان، مقاله‌های فراوانی نوشته شده است:

"نقد جامعه‌شناختی رمان سال‌های ابری علی اشرف درویشیان" نوشته خلیلی جهانتیغ، مریم و مکیه عثمانی، مجله ادبیات داستانی، شماره اول، سال ۱۳۹۱. در این مقاله نویسندگان تلاش کرده‌اند تا ارتباط دو سویه‌ی کلیت اثر ادبی با کلیت اوضاع اجتماعی دوره‌ای که اثر در آن تکوین یافته را پیدا کنند و به بهترین نحو آن را به نگارش درآورند.

"تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ غاده السمان بر اساس نظریه کنشی گریماس" نوشته مهین حاجی زاده و محدثه ابهن، نشریه نقد ادب معاصر عربی، شماره ۵، دوره ۳، سال ۱۳۹۲. در این مقاله سعی شده است تا بر اساس نظریه کنشی گریماس، که در آن کنش‌های شخصیت‌های داستانی، مدلی را در بررسی شخصیت طراحی کرده است که از سه

الگوی دو تایی: کنش گذار - کنش پذیر، کنشگر - هدف، کنش یار - ضد کنشگر تشکیل شده است مورد بررسی قرار دهند.

"بررسی جامعه‌شناختی نمایشنامه‌ی چهار صندوق نوشته بهرام بیضایی با تکیه بر آرای لوسین گلدمن" نوشته احمد کامیابی مسک و فائزه دائمی، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۴، شماره ۱، سال ۱۳۹۸. در این مقاله سعی شده است که به هدف خود یعنی دست‌یابی به شناختی بهتر از جامعه و گروه‌های اجتماعی دوران نگارش نمایشنامه و با استفاده از رویکرد جامعه‌شناسی هنر و نظریه ساختارگرایی تکوینی گلدمن که شامل دو مرحله دریافت و تبیین است برسند. برای دستیابی به پاسخ سوال‌ها و اثبات یا رد فرضیه‌ی تاثیرپذیری رمان (بیروت ۷۵) از جهان‌بینی و آگاهی اجتماعی نویسنده، ابتدا نقد ساختارگرایی تکوینی گلدمن به طور مبسوط تبیین می‌شود. سپس مراحل لازم برای مطالعه یک اثر ادبی از خلال این نقد در قالب یک الگو ارائه می‌شود. در نهایت نیز تحلیل موردی داستان مورد نظر، انجام شده و نتیجه‌ی پژوهش ارائه می‌شود. بنا بر این شیوه‌ی به کار گرفته شده در این پژوهش، تفسیری-تحلیلی خواهد بود.

۱-۳) شیوه‌های گردآوری داده‌ها و ابزار مورد استفاده در تحقیق

در این پژوهش، با توجه به ماهیت کیفی و بهره‌گیری از روش ساختارگرایی تکوینی لوسین گلدمن، شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها بر دو سطح عمده استوار است. در سطح اول که به فهم و درک متون ادبی اختصاص یافته، از روشی بهره گرفته شده است که بیشتر بر توان تحلیل و استنتاج پژوهشگر تکیه دارد. در این مرحله، محقق با مطالعه متن و تأمل دقیق بر پیکره آفرینش ادبی، ساختاری یا مدل معنایی منسجم، جامع و پیوسته را استخراج می‌کند. این ساختار، ممکن است تمامی ابعاد هستی‌شناسی، جامعه‌شناسی و روان‌شناختی متن را دربرگیرد و بدون افزودن هیچ عنصر بیرونی، عاملی است برای تبیین و شناخت ابعاد متن، و بر شواهدگونی از درون متن استوار است. در این فرآیند، ساختار یا الگوی معنایی، پس از تحلیل و تطبیق با شواهد، به عنوان نتیجه نهایی معرفی می‌شود (گلدمن، ۱۳۸۰: ۹۲-۹۳). در سطح دوم، که مربوط به تحلیل‌های تشریحی است، ساختار معنادار اثر در بستر بزرگ‌تر و جامع‌تری قرار گرفته و بر اساس شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زمان آفرینش اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این سطح، برای گردآوری داده‌ها، از مطالعه منابع تاریخی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن دوره استفاده می‌شود؛ با بهره‌گیری از کتاب‌ها، مقالات و اسناد معتبر، که خود نشان‌دهنده به‌کارگیری روش پژوهش تاریخی و ابزارهای مرتبط است. در این مرحله، با توجه به اینکه نویسنده در اثر، جهان‌نگری گروه یا طبقه‌ای خاص را بازتاب می‌دهد و اثر، ساخته و پرداخته یک فرد هم نیست بلکه نتیجه آفرینش گروه یا طبقه‌ای اجتماعی محسوب می‌شود، داده‌ها از بستر تاریخی و مناسبات طبقاتی مربوطه جمع‌آوری و تحلیل می‌گردند. این کار امکان کالبدشکافی و شناخت عمیق‌تری از زمینه‌های تاریخی و اجتماعی اثر را فراهم می‌آورد (همان، ۱۳۸۰: ۹۴).

۲) ساخت‌گرایی تکوینی لوسین گلدمن

منش اصلی نظریه ساخت‌گرایی تکوینی بر این اصل بنیادین استوار است که هر اقدام انسان، تلاشی مداوم برای فراهم آوردن معانی و پاسخگویی به موقعیت‌های خاص و متغیر است. بر اساس این فرضیه، خواننده در تلاش است تا میان فاعل عمل و موضوع تحت تأثیر آن تعادل برقرار کند. این تعادل، به‌طور طبیعی، همواره موقت و شکننده است؛ زیرا هر نوع توازن میان ساختارهای ذهنی فاعل و محیط بیرونی در نهایت منجر به حالتی می‌شود که رفتار انسان توان تغییر دادن جهان را دارد. این تغییرات، به نوبه خود، تعادل قبلی را به هم می‌زنند و به دنبال آن، گرایشی به سوی ایجاد تعادل جدیدی شکل

می‌گیرد. این فرآیند به صورتی متداوم ادامه می‌یابد: تعادلی که در نتیجه تعاملات جدید به وجود می‌آید، به تدریج جایگزین تعادل‌های قبلی می‌شود و در آینده، ممکن است دوباره خود را در معرض تغییرات جدید قرار دهد. در این راستا، نظریه ساخت‌گرایی تکوینی به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از دینامیک‌های در حال تغییر در تعاملات انسانی و شکل‌گیری معانی اجتماعی پیدا کنیم، به‌ویژه در زمینه‌های ادبی که با پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی گره خورده‌اند. این بازنگری پیوسته در رفتار و تعادل‌های میان‌فردی، به ما این امکان را می‌دهد که به تأمل در وضعیت‌های مختلف اجتماعی و تأثیرات آن‌ها بر فرایندهای اخلاقانه بپردازیم. بدین ترتیب واقعیت‌های انسانی به صورت فرایندهایی دو رویه نمودار می‌شوند، ساخت‌شکنی ساختارهای قدیمی و ساختار یابی کلیت‌های جدیدی که قادر به ایجاد تعادل‌هایی هستند که می‌توانند نیازهای تازه گروه‌های اجتماعی را برآورده سازند (گلدمن، ۱۳۷۱ش: ۳۱۷). ساخت‌گرایی تکوینی رهیافتی است که محل تمرکزش بررسی شرایط و فرایندهای اجتماعی وابسته به خلق ادبیات مارکسیستی و ملهم از لوکاش جوان است که طی آن متن ادبی به منزله ابزاری برای بررسی جامعه شناختی به کار می‌رود و به طور خلاصه، بررسی منش تاریخی - اجتماعی دلالت‌های عینی زندگی عاطفی و عقلانی فرد آفریننده است (گلدمن، ۱۳۷۱ش: ۲۰۱).

در حال حاضر، سوال اصلی این مقاله درباره شناخت جامعه‌ی مورد نظر نویسنده و اثر او مطرح می‌شود؛ مسئله‌ای که بدین صورت بیان می‌شود: آیا بین ساختار زیبایی شناختی رمان «بیروت ۷۵» اثر غاده السمان، از یک سو، و ساختار ذهنی، آگاهی جمعی و مجموعه باورهای گروه یا طبقه اجتماعی که نویسنده بدان منسوب است، از سوی دیگر، رابطه‌ای متقابل یا هم‌پوشانی ساختاری وجود دارد؟ یا این که می‌توان رمان «بیروت ۷۵» را جزو گونه‌های آفرینش‌های ادبی گروه‌ها و طبقات تاریخی محسوب کرد که جامعیت روابط میان انسان‌ها و نیز روابط انسان و طبیعت را دنبال می‌کنند و با ساختن جهانی منسجم و یکپارچه، در عرصه مفهومی به تأسیس نظام‌های فلسفی و در عرصه تخیل به خلق آثار هنری بزرگ می‌انجامد؟

گلدمن برای بررسی اثر ادبی دو مرحله قائل است: ۱- درک یا دریافت؛ ۲- توضیح یا تشریح. در مرحله درک یا دریافت، به ساختار اثر ادبی توجه می‌شود و وجوه هنری، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی اثر واکاوی می‌شود و از کنار هم نهادن این یافته‌ها، کلیت حاکم بر اثر یا ساختار معنا دار آن به دست می‌آید. در مرحله توضیح یا تشریح، ساختارهای اجتماعی زمانه تولید اثر و مهمترین عوامل و عناصر تاثیر گذار در سامان دهی آگاهی جمعی و ساختار کلی حاکم بر آن دوره بازنمایی می‌شود (گلدمن، ۱۳۸۲ش: ۱۷). مفاهیم اساسی که در نظریه ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن وجود دارند، عبارتند از: جهان‌بینی، تمامیت، طبقه اجتماعی، تضاد طبقاتی، آگاهی طبقاتی، فاعل فرا فردی، شیء وارگی و پروبلماتیک.

۲-۱) جهان‌بینی (جهان‌نگری)

مفهوم اساسی در ساخت‌گرایی تکوینی گلدمن، جهان‌بینی است. «هر اثر برجسته ادبی در برگیرنده جهان‌بینی گروه است و نویسنده، کار گزار این جهان‌بینی است و جهان‌بینی مجموعه آرزوها، احساس‌ها و اندیشه‌هایی است که اعضای گروهی و بیشتر افراد طبقه‌ای را به هم می‌پیوندد و آن را برابر گروه یا طبقه دیگر قرار می‌دهد» (همان: ۱۳).

۲-۲) تمامیت (کلّیت)

مفهوم تمامیت، مقوله‌ای بنیادی در اندیشه گلدمن است. او تمامیت را همان جهان و جامعه بشری در نظر می‌گیرد و معتقد است که «تمامیت امری داده شده نیست؛ بلکه با عمل و کنش انسانی در فرایند تاریخ ساخته می‌شود» (همانجا).

۲-۳) طبقه اجتماعی

گلدمن به موضوع طبقه، توجه ویژه‌ای دارد وی معتقد است که «طبقات اجتماعی با عمل خود تاریخ را می‌سازند و گروه‌هایی هستند که با عملشان شایستگی ویژه‌ای برای دگرگونی‌های تاریخی فراهم می‌سازند و طبقات و گروه‌های اجتماعی زیرساخت جهان‌بینی‌ها را تشکیل می‌دهد» (گلدمن، ۱۳۶۹: ش: ۱۳). وی معتقد است که طبقه اجتماعی، گروه بزرگی از انسان‌هاست که از نظر مقام و مرتب در سیستم تولید اجتماعی معین بر مبنای شرایط تاریخی در روابط تولیدی و مناسبات اجتماعی تولید و دسترسی به ابزار تولید و نحوه دستیابی به ثروت اجتماعی وضعیت مشابهی داشته باشند (همان: ۱۵).

۲-۴) تضاد طبقاتی

«نظام اقتصادی سرمایه داری به کسانی قدرت می‌دهد که ثروت و اموال را در تملک خود داشته باشند در مقابل افرادی که اموالی در تملک نداشته باشند، دارای قدرت نیستند در این شرایط میان آنها تضاد طبقاتی ایجاد می‌شود» (همان: ۴۵). پس می‌توان گفت که «تضاد طبقاتی آنگاه مطرح می‌شود که جامعه مرکب از گروه‌های جداگانه‌ای باشد که هر یک به دنبال منافع خاص خویش است. وجود منافع جداگانه منجر به تضاد میان ظرفیت‌ها و امکانات می‌گردد که گروه‌های معینی بیش از بقیه نفع می‌برند» (گیدنز، ۱۳۹۰: ۳۳)؛ بنابراین تضاد طبقاتی در میان ساختارهای اقتصادی و روابط اجتماعی وجود دارد و هر چقدر در توزیع منابع موجود در یک کشور نابرابری بیشتری وجود داشته باشد، تضاد بیشتری را در میان طبقات و اقشار مختلف آن جامعه موجب می‌شود.

۲-۵) آگاهی طبقاتی

«آگاهی طبقاتی یا آگاهی ممکن یک طبقه اجتماعی، یک جهان‌بینی را تشکیل می‌دهد و ممکن به صورت مذهب، فلسفه، ادبیات و هنر بیان شود» (گلدمن، ۱۳۶۹: ش: ۷۳). به بیان ساده‌تر می‌توان گفت که «آگاهی طبقاتی احساس گروهی است که دستاورد‌های اجتماعی آن مشخصاً به کامیابی‌هایش به صورت یک گروه بستگی دارد و می‌توان گفت آگاهی طبقاتی وقتی وجود دارد که جامعه کاملاً گروه‌بندی شده باشد و این گروه‌ها از لحاظ خصوصیات اقتصادی مشابه باشند و در آزمون‌هایی که زمینه ادراکشان از خصوصیات مشترک، نیازهای مشترکشان و هدف‌های جمعی مشترک به عمل می‌آید، ثمراتی مشابه به دست می‌آید» (استونز، ۱۳۸۵: ش: ۵۶).

۲-۶) فاعل فرا فردی (جمعی)

گلدمن در وهله نخست مفهوم فاعل فرافردی را به عنوان «آفریننده راستین محصول فرهنگی و به ویژه آثار ادبی مطرح می‌کند. بدین ترتیب مقوله‌های معنادار در بررسی جامعه‌شناسی ادبیات نه به صورت پدیده‌هایی فردی، بلکه به صورت پدیده‌هایی کاملاً اجتماعی به کار می‌روند. به نظر گلدمن، فراروی از فرد به جمع پیامدی بسیار مهم برای زیباشناسی رمان دارد» (گلدمن، ۱۳۶۹: ش: ۹۲).

۲-۷) شیء وارگی

مسئله شیء وارگی را ابتدا هگل، سپس مارکس و آنگاه لوکاچ مطرح کرد اما گلدمن پدیده شیء وارگی را به مثابه بت وارگی تحلیل کرده است. به طوری که «تسلط دنیای سرمایه داری بر افراد چنان است که آنان به اشیاء بدل می شوند و به دنیای منفعل محدود می گردد و مناسبات انسانی و نهادها نیز دست خوش همین تباهی و ارزش باختگی می شوند» (همان: ۳۱۵).

۲-۸) پروبلماتیک

از بر ساخته های لوکاچ است که از مفاهیم اساسی گلدمن محسوب می شود که ترجمه آن به تعبیری «مسئله دار» است نه مسئله ساز که برای پرهیز از هرگونه بدفهمی می گوید «اصطلاح شخصیت پروبلماتیک را نه به معنای فرد مسئله ساز بلکه به معنای شخصیتی به کار ببریم که زندگانی و ارزش هایش او را در برابر مسائلی حل نشدنی که نمی تواند آگاهی روشنی و دقیقی از آنها به دست آورد؛ قرار دهیم» (همان: ۲۵۹). از دیگر ویژگی هایی که گلدمن برای شخصیت پروبلماتیک بر می شمرد؛ عبارتند از: «بی آینده، گرایش به ارزش های مصرف در جامعه که ارزش مبادله حاکم است. قرار گرفتن در حاشیه جامعه، پیروی از ارزش های کیفی و سرانجام منتقد و مخالف جامعه» (همان: ۱۷۹).

۳) غاده السمان و نگاهی به رمان بیروت ۷۵

غاده السمان در سال ۱۹۴۲ در دمشق متولد شد. پدرش، دکتر احمد السمان، رئیس دانشگاه سوریه و وزیر آموزش و پرورش بود. نخستین کارهایش را تحت نظارت او در سنین نوجوانی به چاپ رسانید. از دانشگاه سوریه با مدرک لیسانس در ادبیات انگلیسی فارغ التحصیل شد. سپس دوره فوق لیسانس را در دانشگاه آمریکایی بیروت ادامه داد و دوره دکتری ادبیات انگلیسی را در دانشگاه لندن طی کرد (مدنی، ۱۳۸۵: ۷۱). کارهای ادبی او در دهه شصت شروع گردید، از آن زمان حافظه ی فرهنگ عرب جایگاه ویژه ای را به وی اختصاص داده است.

رمان «بیروت ۷۵» روایت هویت پنج شخصیت متفاوت است که هر کدام هدف ها و آرزوهای خاص خود را دارند و در مسیر مشترکی برای رسیدن به بیروت کنار هم قرار می گیرند، در حالی که هر یک خیالات و انگیزه های متفاوتی دارند. نویسنده در این اثر عمدتاً بر داستان دو شخصیت اصلی، یعنی فرح و یاسمین، تمرکز دارد و شخصیت های دیگر را به عنوان مکمل هایی برای توسعه داستان به تصویر می کشد. فرح، جوان سوری است که زندگی سخت روستایی را ترک کرده و قصد دارد از طریق آمدن به بیروت، به ثروت و شهرت برسد. او قصد دارد با نیشن، دوست پولدار پدرش، آشنا شود و در آنجا جایی برای خودش دست و پا کند، اما عشق او به ثروت و شهرت او را در دام نیشن گرفتار می کند؛ او در نهایت، به ابزاری در دست نیشن تبدیل می شود و بنیان رویای خود را بر باد می دهد، تا این که دیوانه شده و بهای خیالش را با جنون خودش می پردازد. یاسمین، دختر سوری دیگری است که از زندگی محدود و خشک راهبه ها خسته شده و به دنبال آزادی و شور در شهر بیروت است. در آنجا، وارد رابطه عاطفی با سیاستمدار ثروتمندی به نام نمر می شود، اما در نهایت، نمر او را ترک می کند و یاسمین، قربانی قساوت شهر و نقاب زیبایی توحشه اش می شود؛ او در نتیجه، به دست برادرش کشته می شود. ابو مصطفی، صیاد بی نوا و ناامید است؛ او دلبسته خیالی است که در سر دارد و دیگر توان کار در دریا و صید ماهی ندارد. همواره در پی یافتن چراغ جادو است تا از وضعیت فقر نجات یابد، و سرانجام، با ناچاری، روزی در پی یافتن آن، با استفاده از دینامیت وارد دریا می شود و جان خود را از دست می دهد، اما به آرزویش می رسد.

در سمت دیگر، طعان، دانش آموخته داروسازی است که پس از بازگشت به شهر خود، متوجه می‌شود درگیر جنگ طایفه‌ای شده است؛ چون پسرعمو و فردی تحصیل کرده از آن قبیله او به قتل رسیده است، و آنان قصد تلافی دارند. اما فشارهای عصبی و استرس باعث می‌شود که او به اشتباه فرد بی‌گناهی را متهم و کشته کند، و در نتیجه، محکوم به اعدام می‌شود. شخصیت دیگر، ابو ملا، نگهبان آثار باستانی دورافتاده است که به دلیل فقر، مجبور می‌شود دختران خود، حتی دختر سه ساله‌اش را به عنوان خدمتکار به دربار ثروتمندان فرستد. پس از این ماجراهای سخت، دچار بیماری قلبی می‌شود و با بیماری و افسردگی دست و پنجه نرم می‌کند؛ او در تلاشی ناامیدانه برای رهایی از فقر و آزاد کردن دخترانش، مجسمه‌های باستانی را سرقت می‌کند، اما استرس و هیجان ناشی از این عمل، منجر به سکته و مرگ او می‌شود.

۴) تحلیل جامعه شناختی رمان

۴-۱) مرحله اول: دریافت

در این بخش به تحلیل ساختار درونی اثر و معرفی شخصیت‌ها پرداخته می‌شود. در رمان بیروت ۷۵ دو شخصیت اصلی و مابقی شخصیت‌ها به عنوان مکملی برای رمان استفاده شده است؛ با توجه به اینکه بار اصلی رمان به دوش شخصیت‌های اصلیست، بنابراین به معرفی فرح و یاسمینه بسنده می‌گردد:

۴-۲) فرح

نویسنده ابتدا به توصیف دمشق، تحت عنوان شهری گرم و بدون امکانات رفاهی می‌پردازد که همه خواهان رفتن از آنجا و رسیدن به بیروت، بهشت آرزوهایشان هستند «الشمسُ شرسَةٌ وملتَهبةٌ وکلُّ ما فی ذلك الشارِعِ الدمشقیِّ کان ینزفُ عرقاً، ویلهتُ» (السمان، ۱۹۹۳: ۵). در ادامه پرده از شادی مردم برداشته؛ شادی‌ای که همگان منتظر آنند و در رسیدن به بیروت خلاصه می‌شود «ومرّت ببابِ الکراجِ حلوةٌ صغیرةٌ، وخیلٌ إلى فرحٍ أنَّ خَدیها توهَجبا لِسَماعِ اسمِ بیروت، أم تراه الحَرَ؟ کُلُّهِنَّ وکُلُّهِنَّ یحلمُ بیروت. لستُ وَحَدی، ولکننی وَحَدی ذاهِبٌ لاقتحامِها» (همان: ۵). مردم برای رهایی از مشکلات کشور خود یعنی نبود امکانات و کم بودن حقوق و همچنین رسیدن به آن شهر رویاها، پیوسته منتظر رفتن به سوی آن هستند و نویسنده برای اینکه در میانه داستان یک غم و اندوه نشات گرفته از خود بیروت را بیاورد در داستان به سه زن اشاره می‌کند، که در تاکی کنار فرح و یاسمینه گریه می‌کنند و دلیل گریه آنها هم معلوم نیست. به طوری که فرح با خود می‌گوید، نکند دارم به سوی مرگ خودم می‌روم و این سرنوشت من است «یملأها هُنالك بکاءٌ خافتٌ... النِسوةُ الثلاثُ فی المقعدِ الخلفیِّ یبکین. تفکرُ الفتاة: (لعلهن ذاهباتٌ إلى ماتم قریبٌ لهن قَصی نحبه فی بیروت). یفکرُ فرحٌ لماذا یتجنبن هکذا؟ ترائی ذاهباً إلى موتی وعرافاتُ القدرِ یُشیعنی وُیبکینی» (همان: ۷). فرح که نمادی از انسانی عادی است که به دنبال پیدا کردن قدرت و شهرت، کشور خود را ترک می‌کند. در راه، مدام با خود حرف می‌زند که برگردد چه سرنوشتی انتظار او را می‌کشد و آیا به نفع است برود یا بازگردد و زندگی خود را سر و سامان دهد. نویسنده در این بخش، به علاقه انسان‌ها به راحتی و عبور از مشکلات اشاره می‌کند. «لو أعود. لو نعود معاً أنا و هذه المرأة البیضاء السمینة. أتزوجها؟ ربما. نقطن فی بیتی بدوما. أتابعُ الذهابَ إلى مرکزِ عملی بدمشق کلَّ یومٍ کلَّ یومٍ حتی أموت. ستسمنُ ستفوحُ منها رائحةُ الطبخِ و الشتائم. سأصیرُ مُدیراً لبقیةِ الموظفين وأصابَ بالسَّلِّ مِن تَنقِلی شتاءً بینَ دُوما ودمشق» (همان: ۸). در نهایت فرح بیچاره پس از آن

همه معروفیت و مشهوریتی که توسط طبقه ثروتمند برایش ساخته بودند، هنگامی که می فهمد در واقع خود را به آن‌ها فروخته است و این معروفیت هیچ آینده‌ای ندارد؛ زیرا هر وقت آن‌ها بخواهند از او پس می گیرند؛ دیوانه شده و او را به تیمارستان می برند «یومَ جئتُ إلى بیروتِ كانت قامتي أطولَ مِنَ اللَّیْلِ، وَالبَحْرُ كُلُّهُ لا یكفیني فِرَاشاً، وَخیمَةُ الظَّلامِ المثقوبِ بِالنُّجومِ كانَ یُجِئُ إلىَّ أَنِّها ستَضیقُ عَن استیعابِ طُموحي. وَكُلُّ نساءِ بیروتِ لَن تَكفیني.. آه كیفَ انشطرت. كیفَ تناثرت، وَها أَنَا الیومَ المَلَمُّ نَفْسِي فِي مَجْبِي الحَقیرِ خَلَفَ سَقَطِ المَتاعِ لَقَد انْحَسرت عَنِّي بیروتُ، وَلفظتني إلى الشاطِئِ صَدفَةً فارغَةً وَوَحیدَةً. أَسْمَعُ باسْتمرارٍ صَوْتاً یَتَحَبُّ فِي دَاخلِی كَصَوْتِ الصُّدْفَةِ. آه.. كیفَ كیفَ كیفَ؟» (همان: ۱۰۸).

۴-۲-۱) یاسمینه

یاسمینه، دختری است با آرزوی‌های زیاد که می خواهد آنها را در بیروت برآورده کند و رویاهای زیادی را در سر می پروراند، رویا هایی که با آنها می خواهد خود را از گیر و بند های جامعه خود رها کند و با خیال زندگی بهتر راهی بیروت شود. «تَشعُرُ یاسمینَةُ بِأَنَّها غابَةٌ، وَالمُوسیقَى رِیاحٌ تَخَلَّلُها، وَتَهزُّ أشجارَها وَأَغصانَها وَتَطلُقُ صیاحَ عَصافیرِها وَتُوقِظُ نَعابِیَها.. الموسیقَى تُحَرِّكُ فیها دائماً خَزوناً خَفیاً مِنَ العَواطِفِ الغامِضَةِ. تَشعُرُ بِأَنَّها عاشقَةٌ تُحِبُّ شَخْصاً بالذاتِ وَلَكِنَّها دوماً فی حَالةِ عَشقٍ، وَدوماً عَلی استعدادٍ لِأَنَّ نُحْبَّ وَتَلتَهَبُ وَتَتعَذَّبُ وَتَنسَى دُونَ أَنْ یَدْرِی الحَبیبُ عَنها شِیئاً السَّینِما تَفعلُ بِها الشِیءَ ذاتَهُ» (السَّمان، ۱۹۹۳م: ۸). اما دلیل اصلی یاسمینه برای رفتن به بیروت، رهایی از محدودیت هاست، محدودیت هایی که زندگی او را یکنواخت کرده است و هیچ هیجانی در زندگی اش وجود ندارد، او معلم راهبه‌ها بود و در آنجا قوانین سختی وجود داشت، که همگی این عقده‌ها با هم جمع شده‌اند و دیگر راهی برای بازگشت ندارد و به دنبال عشق، شهرت و آزادی کشور خود را ترک می کند. «تَعَبت مِنَ العَمَلِ أستاذَةً فی مدارسِ الرهاباتِ. سَمِمت. سَمِمت. سَمِمت. الأیامُ تَمضي ثَقیلَةً كَجَسَدِ مَخدِرٍ عَلی طَولَةِ العَمَلِیاتِ. وَأنا لا أَفعلُ شِیئاً سِوَى الضَجْرِ وَکتابَةِ الشَّعْرِ. بیروتُ تَتَظَنُّرُني، بِکُلِّ بَریقِها، بِکُلِّ إِمکاناتِ الحَریَةِ فیها، بِکُلِّ إِمکاناتِ الحَبِّ فیها بِکُلِّ إِمکاناتِ الشُّهرَةِ فیها، بِکُلِّ إِمکاناتِ نَشرِ قِصائِدِی فی صُحُفِها، وَقَلِبی طائِرٌ جائِعٌ لِلتَحلیقِ. لَن أَرى رَاهِبَةً بَعَدَ الیومِ. أوف! لَذا الشابُّ إلى جَانِبي وَجودٌ مَزَعَجٌ. إِنَّه یبدو كَقرویِّ مِتلَهفٍ لِلحدیثِ عَن نَفْسِها، وَسِیمٌ وَفَجٌ» (همان: ۹). یاسمینه برای اولین بار در زندگی اش کارهایی را تجربه می کند که سرآغاز فریب خوردن و سردرگمی در جامعه‌ای بی رحم و خشن است. «لَقَد أیقَظتِ الشَّمسُ جَسَدَها وَصَوْتُ اصْطِحابِ الأمواجِ، وَرائحةُ المِلحِ، وَاهتزازُ الیخْتِ فی قَلبِ البَحْرِ، وَالوِیسکی الَّذي لَم تَدقُه مِن قَبْلِ، وَالسَّماءُ الزَّرقاءُ الشاسِعَةُ الِتي نَفیضُ رَضی وَهدوءٌ کَأَنَّها تَبارکُ لِحظاتِ اِكتشافِها لَجَسَدِها.. وَالشَّمسُ، وَذلکَ الإحساسُ الصاعِقُ المَفترسُ حینَ تَعَرَّتْ یاسمینَةُ تَماماً لِلمرَّةِ الأولى فی حَياتِها تَحْتَ الشَّمسِ» (همان: ۱۳). او حالا احساس می کند، در بهشتی قرار دارد که باید مدت‌ها پیش به اینجا می آمد، غافل از این که، دختر ساده گمان نمی کند به ابزاری برای شهوت صاحبان قدرت مبدل گشته است. «أطفأ نَورَ محرکِ الیخْتِ، وَأفلتَه لِلمَوجِ یَمضي بِهِ حیثُ یشاءُ وَلرِیحِ المِصادِفَةِ. وَانطلقَ مِثلَها یَركُضُ عَلی سَطحِ الزُّورِقِ عارِياً كَسَمکَةٍ. وَأَحسَّتْ بِأَنَّها یَعيشانِ أسطورةَ الخَلقِ الأولى، وَالیخْتُ الصَغیرُ صَدفَةٌ لولویةٌ لِلونِ. وَالسَّماءُ الشاسِعَةُ لَم تَکُنْ قَطُّ أَکثَرَ صَفاءً وَثَلوجُ أعوامِها السَبعةِ وَالعشرینَ تَدوبُ. الثَلوجُ الِتي هَطَلتْ فَوَها طیلَةً عَشرَةً أعوامٍ مِنَ قُبَعاتِ الرهاباتِ حینَ کانتَ تَعْمَلُ مَدْرَسَةً» (همان: ۱۴). یاسمینه با یک مرد از طبقه سرمایه دار و صاحب نفوذ وارد رابطه شده بود و خود را به نوعی به او وابسته کرده بود تا فقیری او در نزد دیگران آشکار نشود. در

این بخش نویسنده، خصوصیات طبقه مرفه جامعه و وضعیت جسمانی آنها با طبقه فقیر و تهی دست را مقایسه می‌کند. «وهی تکره فقرها و تحب الثراء و تحب جسده الذي يُعلِنُ عن ثرائه بوقاحةٍ في ذلك الأنسجام المذهل التكويني. وحتي قدماه تلعلان عن ثرائه. قدمه ناعمة، وليست فيها أية تورماتٍ أو تشوهاتٍ من تلك التي تنمو في أقدام أنصاف الفقراء المضطربين إلى ارتداء الحذاء نفسه حتى يبلي مهيا كان قاسياً ومؤلماً ومشوهاً لأقدامهم» (همان: ۱۵). او بر نادانی خودش اقرار می‌کند، که دارد دیوانه می‌شود انگار تمام راهی را که پیموده، اشتباه بوده و بیروت جز تباهی چیز دیگری ندارد. «إني أرى جُنُونِي وأرى خطأي وأرى بوضوح كيف أخرج من منزلتي، لكنني عاجزة عن ذلك... لقد نسوا حين حبسوني في قمم التقاليد إتهم بذلك يُجردونني من مقاومتي وها أنا أستسلم لنهر النار الذي يجرفني، نهر الآهات الكاوية» (همان: ۴۰).

۴-۳) مرحله دوم: تشریح

طبق نظریه گلدمن، در مرحله تشریح، ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه در دل ساختار اثر ادبی مورد بررسی و تشریح قرار می‌گیرد. در این زمینه باید به مسائلی مانند بسترهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی که رمان در آن شکل گرفته، آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی قهرمانان رمان، اعتراض به وضع موجود و مسائلی از این دست و میزان انطباق آنها با واقعیت‌های جامعه توجه شود.

۴-۳-۱) بررسی بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی رمان بیروت ۷۵

برای بررسی ساختار مذهبی و سیاسی حکومت لبنان، ابتدا باید ترکیب طایفه‌ای لبنان مورد بررسی قرار گیرد. طایفه‌گرایی نشانگر ساختار جامعه لبنان می‌باشد. ساختار سنتی قدرت سیاسی در لبنان بر اساس توازن طایفه‌ای استوار می‌باشد که مجموعه‌ای از طوایف گوناگون، ساختار سیاسی لبنان را شکل داده‌اند. لبنان دارای تعدد مذاهب و دارای هفده فرقه دینی به رسمیت شناخته شده می‌باشد: یازده فرقه مسیحی (مارونی، ارتدوکس، کاتولیک، ارمنی‌های ارتدوکس، ارمنی‌های کاتولیک، پروتستان‌ها، سریانی‌های ارتدوکس، سریانی‌های کاتولیک، لاتین‌ها، کلدانی‌ها و نستوری‌ها)، پنج فرقه اسلامی (شیعیان، سنیان، دروزیان، علویان و اسماعیلیان) و یک فرقه یهودی، که جزو کم‌اهمیت‌ترین فرقه‌هاست. هسته اصلی بی‌ثباتی لبنان فرقه‌گرایی است که بر این کشور حاکم است. در این نظام، پست‌های دولتی در حکومت، خدمات عمومی، ارتش و قوه قضائیه بر اساس وابستگی‌های طایفه‌ای و مذهبی و نه بر اساس مزیت و شایستگی لازم تقسیم شده‌اند. بنابراین، وفاداری‌های فرقه‌ای (طایفه‌ای) بر وفاداری‌های ملی برتری دارند. بر اساس آخرین آمار رسمی، جمعیت در سال ۱۹۳۲ یعنی در زمان حاکمیت فرانسه بر این کشور، ۵۱ درصد جمعیت کل کشور را مسیحیان تشکیل می‌دادند. طبق آمار مذکور، مارونی‌ها بزرگ‌ترین فرقه منفرد با ۲۹٪ آراء و پس از آن سنی‌ها ۲۲٪ و شیعیان در حدود ۲۰٪ نشان داده شده‌اند. (سنو، ۲۰۰۸: ۱۱۸)

شعله جنگ داخلی ۱۳ آوریل ۱۹۷۵ روزی که بسیاری اعتقاد دارند، به صورت قطعی جنگ داخلی لبنان آغاز شد، روزی بود که گروهی مسلح سعی کردند تا «پیرالجمیل» بنیانگذار و رهبر حزب مسیحی «الکتاب» را هنگام خروج از یک کلیسا در منطقه «عین الرمانه» واقع در جنوب بیروت ترور کنند، اما او از این حادثه جان سالم به در برد و همراهش «ژوزف ابوعاصی» و ۳ تن دیگر کشته شدند. در یکی از نخستین و بزرگترین جنایت‌های تاریخ جنگ داخلی، روز شنبه ۶ دسامبر ۱۹۷۵ (۱۵ آذر ۱۳۵۴) شبه نظامیان حزب الکتاب در پی پیدا شدن جسد ۴ تن از اعضای وابسته به آن در نقاط نزدیک بندرگاه اصلی بیروت، با برپایی ایست و بازرسی‌هایی، هر کس که در کارت شناسایی او در مقابل دین، اسلام

نوشته شده بود، کشتند و صدها مسلمان لبنانی و فلسطینی در «شنبه سیاه» در خون خود غلتیدند و بسیاری از آنها حتی پیکرشان نیز یافت نشد. بر اثر این حادثه بیروت به دو بخش شرقی (مسیحی) و غربی (اسلامی) تقسیم و شعله جنگ برافروخته تر شد. چنین جنایت‌هایی در این سالها کم صورت نگرفت. بر اساس برخی گزارش‌ها، طی ۱۵ سال جنگ داخلی در لبنان، نزدیک به ۱۵۰ هزار نفر کشته شدند، در حدود ۲۰۰ هزار نفر زخمی بر جای ماند و دستکم ۱۷ هزار نفر مفقود شده و همچنان از سرنوشت شان خبری نیست (راینویچ، ۱۳۶۸ش: ۶۶).

۴-۳-۲) بحران اجتماعی

در دهه ۱۹۶۰ میلادی لبنان نسبتاً آرام بود اما این وضعیت در دهه ۱۹۷۰ به کلی تغییر کرد. پس از جنگ جهانی دوم، کشمکش میان فلسطینی‌ها و ملی‌گرایان یهودی به اوج خود رسید. با وقوع جنگ اول اعراب و اسرائیل عمده عرب‌های ساکن فلسطین ناخواسته وادار به مهاجرت کشورهای نظیر اردن، لبنان و مصر شدند. تا دهه ۱۹۷۰ لبنان میزبان بیش از چهار صد هزار پناهنده فلسطینی بود. اما در دهه ۱۹۶۰ مرکز فعالیت مسلحانه فلسطینی‌ها در اردن مستقر بود، اما در جریان سپتامبر سیاه، ملک حسین، شاه اردن با خشونت دستور به اخراج و سرکوب فلسطینی‌ها را داد و در نتیجه عمده این گروه‌های فعال فلسطینی علیه اسرائیل نظیر فتح به لبنان منتقل شدند و اما در لبنان هم اوضاع آنطور که آنها می‌خواستند پیش نرفت. حکومت مستقر در لبنان که مسیحیان مارونی بودند به شدت با فعالیت این سازمان‌ها مخالف بود (سنو، ۲۰۰۸م: ۱۲۰).

اوضاع بحرانی لبنان که از اواسط دهه ۱۹۷۰-۱۹۹۰ به شکل بی‌سابقه‌ای شدت و تداوم یافت، نبود حاکمیت تامه دولت، در تمامی نقاط، نقش لبنان در جنگ‌های اعراب و اسرائیل، جنگ و درگیری‌های داخلی و نیز نوع نظام سیاسی حاکم بر این کشور، هر یک به گونه‌ای با منافع ملی کشورهای هم‌سایه ارتباط پیدا می‌کند؛ جنگ گروه‌ها و جناح‌های سیاسی دارای نفوذ در لبنان و همچنین رقابت شدید قدرتهای منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور را به صحنه بروز تضادها و تسویه حساب اختلافات بدل ساخت. به طوری که مردم لبنان همگی در فشارهای روحی و روانی بودند که سیاستمداران برای آنها ایجاد کرده بودند، جنگی که مردم لبنان بهایش را دادند، با اختلافات قومی و قبیله، سروری طبقه اشراف و نابودی طبقه متوسط جامعه، به طوری که فقر در جامعه بیداد می‌کرد (السمان، ۱۹۹۳م: ۶۴-۶۲).

اوضاع سیاسی منطقه تأثیرات زیادی را هم به بخش اقتصادی وارد کرده بود. به گونه‌ای بسیاری از کالاها کمیاب شدند و مردم در مایحتاج خود دچار مشکل شدند. جنگ‌های خانمان سوزی که بیروت و لبنان عروس خاورمیانه را به آتش گشوده بود. وضع مردم هر روز بد و بدتر می‌شد. جنگ‌های طائفه‌ای هم شروع شده بود؛ زیرا فرصت را غنیمت شمرده تا یکدیگر را چپاول کنند. دخالت بسیاری از کشورهای خارجی و در نتیجه بین‌المللی شدن بحران به دنبال حضور فلسطینی‌ها در این کشور پدید آمد که باعث طمع بیشتر آن کشورها به لبنان و دفاع از گروهک‌های مورد نظر خودشان بود. گروهک‌هایی که امنیت جامعه را برهم زده بودند برای مثال دولت فرانسه با حمایت از جناح مارونی، نیروهای حامی سوریه را در منطقه ضعیف کرد و تلاش‌های بین‌المللی برای برقراری صلحی پایدار را به هم زد.

۵) نتیجه

برای شناخت عمیق‌تر از جامعه و نوع ساختارهای اجتماعی، سیاسی و مذهبی در هر زمان و مکان، توجه به آثار ادبی آن دوره اهمیت بسیاری دارد. غاده السمان در رمان «بیروت ۷۵»، به طور ویژه به سبک زندگی، آداب و رسوم و ارزش‌های جامعه بیروت پرداخته است، به گونه‌ای که این رمان به نوعی به عنوان برگردانی از زندگی در لبنان تلقی می‌شود. رمان

«بیروت ۷۵» نه تنها بازتابی از ساختارهای ذهنی و آگاهی جمعی گروه یا طبقه اجتماعی‌ای است که آن را خلق کرده، بلکه در عین حال تأثیرگذار بر شکل‌گیری و تحکیم این ساختارها نیز محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه‌ای دیالکتیکی و متقابل میان اثر ادبی و جامعه وجود دارد؛ به طوری که این اثر نه تنها به انعکاس واقعیت‌های اجتماعی می‌پردازد بلکه بر شکل‌گیری و تصحیح آگاهی‌های جمعی و ساختارهای فرهنگی نیز تأثیر می‌گذارد. در «بیروت ۷۵»، واقعیت‌های اجتماعی‌ای چون تضاد طبقاتی، آگاهی گروهی و فردی و چالش‌های هویتی در جامعه به وضوح نمایان شده است. این روایت به ما این امکان را می‌دهد تا نه تنها درکی از شرایط اجتماعی آن زمان به دست آوریم، بلکه تأملی بر چگونگی تأثیرگذاری این شرایط بر رفتارها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی انجام دهیم. به طور کلی، رمان «بیروت ۷۵» به مثابه ابزاری کارآمد برای کاوش در واقعیت‌های پیچیده اجتماعی و فرهنگی لبنان عمل می‌کند و به ما کمک می‌کند تا تأثیرات متقابل ادبیات و جامعه را بهتر درک کنیم. نویسنده در رمان «بیروت ۷۵» با بهره‌گیری از روش جهان‌بینی خاصی که در طول داستان بر آن تأکید داشته، به بطور مؤثری مشکلات اجتماعی مردم جامعه را به تصویر می‌کشد. او با پرداختن به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، توانسته است راه‌حلی برای فرار از معضلات موجود در رمان ارائه دهد. این اثر در نهایت جهانی منسجم و یکپارچه را مجسم می‌کند که در آن، نظام‌های فلسفی و مفهومی شکل گرفته، و آثار هنری بزرگ به عنوان محصول آن نظام‌ها ظهور می‌یابند. به عبارت دیگر، «بیروت ۷۵» نه تنها موظف به منعکس کردن ساختارهای اجتماعی است، بلکه به نوعی در دگرگونی و تثبیت این ساختارها نیز ایفای نقش می‌کند. تصویرسازی دقیق از شرایط و چالش‌های اجتماعی در این رمان، بینش عمیق‌تری از تعاملات انسانی و نحوه تأثیرگذاری فرهنگ بر رفتارها و ساختارهای اجتماعی را به ما می‌دهد. تحلیل دقیق‌تر بر اساس متون و ساختارهای اثر، به همراه زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خاص آن، می‌تواند به درک بهتر و عمیق‌تری از رابطه میان این اثر ادبی و ساختارهای اجتماعی نه تنها در لبنان، بلکه در راستای تأمل بر سیاست‌ها و رفتارهای اجتماعی در دیگر جوامع نیز کمک کند. در حقیقت، مطالعه این رمان به ما این امکان را می‌دهد که به کاوش در بطن مسائل اجتماعی بپردازیم و از منظر ادبی به چگونگی کنش و واکنش‌های جامعه نسبت به بحران‌ها و چالش‌های آن نگاهی دقیق‌تر داشته باشیم.

منابع و مآخذ

- استونز، رابرت، (۱۳۸۵ ش). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میر دامادی، تهران: مرکز.
- جوآوردی، مصطفی، (۱۳۸۷ ش). «بررسی تطبیقی آثار غاده السمان و فروغ فرخزاد»، دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران.
- حاجی زاده، مهین و محدثه ابهن، (۱۳۹۲ ش). «تحلیل ساختاری شخصیت‌های رمان بیروت ۷۵ غاده السمان بر اساس نظریه کنشی گریاس»، نشریه نقد ادب معاصر عربی، شماره ۵، دوره ۳، صص ۷۹-۵۵.
- خلیلی جهانبیغ، مریم و مکيه عثمانی، (۱۳۹۱ ش). «نقد جامعه‌شناختی رمان سال‌های ابری علی اشرف درویشیان»، مجله ادبیات داستانی، سال اول، شماره اول، صص ۱۳۲-۱۱۳.
- رابینویچ، ایتمور، (۱۳۶۸ ش). جنگ برای لبنان، ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجبی یزدی، تهران: سفیر.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۸ ش). نقد ادبی، جلد ۱، چاپ سوم، تهران: امیر کبیر.
- زبیا، پیرو، (۱۳۷۷ ش). جامعه‌شناسی رمان از نظرگاه گلدمن، مترجم: محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- سلدون، ر (۱۳۷۷ ش). راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- السمان، غاده، (۱۹۹۳ م). بیروت ۷۵، بیروت: منشورات غاده السمان.

- سنو، عبدالرؤف، (۲۰۰۸م). *حرب لبنان ۱۹۷۵-۱۹۹۰ تفکک الدولة وتصدع المجتمع*، بیروت: دارالعلمیة للعلوم ناشرون.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۸ش). *عنصر داستان*، تهران: سمت.
- فرزاد، عبدالحسین، (۱۳۷۸ش). *درباره نقد ادبی*، تهران: قطره.
- فضل الله، ابراهیم، (۲۰۰۹م). *علم اجتماع الأدب: مناهج و تطبيقات*، بیروت: الشركة العالمیة للكتاب.
- کامیابی مسک، احمد و فائزه دائمی، (۱۳۹۸ش). «بررسی جامعه‌شناختی نمایشنامه‌ی چهار صندوق نوشته بهرام بیضایی با تکیه بر آرای لوسین گلدمن». *نشریه هنرهای زیبا*، دوره ۲۴، شماره ۱، صص ۶۹-۷۸.
- گلدمن، لوسین، (۱۳۶۹ش). *جامعه‌شناسی ادبیات دفاع از جامعه‌شناسی رمان*، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.
- _____، (۱۳۷۱ش). *دفاع از جامعه‌شناسی رمان*، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: هوش و ابتکار.
- _____، (۱۳۷۷ش). *روش ساخت گرای تکوینی در جامعه‌شناسی ادبیات*، مجموعه مقاله، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: نقش جهان.
- _____، (۱۳۸۰ش). *جامعه‌شناسی ادبیات*، جایگاه و مسائل روش لوسین گلدمن (جامعه، فرهنگ، ادبیات، مجموعه مقالات) گزیده و ترجمه، محمد جعفر پوینده، تهران: چشمه.
- _____، (۱۳۸۲ش). *نقد تکوینی*، ترجمه محمد تقی غیائی، تهران: بزرگمهر.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۰ش). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- لوکاج، جورج، (۱۳۸۰ش). *نظریه رمان*، مترجم حسن مرتضوی، تهران: قصبه.
- مدنی، نسرین (۱۳۸۵ش). *در کوچه‌های خاکی معصومیت*، چاپ اول، تهران: چشمه.

References

- Al-Samman, G. (1993), Beirut 75, Beirut: Ghada al-Samman Publications. [In Arabic]
- Farzad, A. (1999), *About Literary Criticism*, Tehran: ghatreh. [In Persian]
- Fadl Allah, I. (2009), *Sociology of Literature; Curricula and Applications*, Beirut: Alsherekat Alalameiah Lelketab. [In Arabic]
- Khalili Jhantigh, Maryam and Makiyeh Othmani, (2012), "A Sociological Critique of the Novel *The Cloudy Years* by Ali Ashraf Darvishian", *Literary Fiction Journal*, Vol. 1, No. 1, pp. 113-132. [In Persian]
- Hajizadeh, Mahin and Mohaddeh Abahn, (2013), "A Structural Analysis of the Characters in Ghada al-Samman's Novel *Beirut 75* Based on Greimas's Actantial Theory", *Journal of Criticism of Contemporary Arabic Literature*, No. 5, Vol. 3, pp. 55-79. [In Persian]
- Kamiabi Mesk, Ahmad and Fa'ezeh Daemi, (2019), "A Sociological Study of the Play *Chahār Sanduq* by Bahram Beyzai with Emphasis on Lucien Goldmann's Views", *Journal of Fine Arts*, Vol. 24, No. 1, pp. 69-78. [In Persian]
- Giddens, A. (2011), *Sociology*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran: Nay. [In Persian]
- Goldman, L. (1990), *Sociology of Literature in Defense of the Sociology of the Novel*, translated by Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Hosh and Ebtakar. [In Persian]
- _____, L. (1992), *Defense of the Sociology of the Novel*, translated by Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Hosh and Ebtakar. [In Persian]
- _____, (1999), *the method of formative constructionism in the sociology of literature*, collection of essays, translated by Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan. [In Persian]
- _____, (2001), *Sociology of literature, the position and problems of Lucien Goldman's method (society, culture, literature, collection of essays)*, selection and translation, Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Cheshme. [In Persian]
- _____, (2003), *Constructive Criticism*, translated by Mohammad Taghi Ghiyasi, Tehran: Bozormehr.
- Javanroudi, M. (2007), *Comparative study of the works of Ghada Alsamman and Forough Farrokhzad*, PhD thesis, University of Tehran. [In Persian]
- Lukacs, G. (2001), *Theory of the Novel*, translated by Hasan Mortazavi, Tehran: Qheseh. [In Persian]
- Madani, N. (2006), *In the Dirt Alleys of Innocence*, first edition, Tehran: Cheshme. [In Persian]
- Rabinovich, Itamore (1989), *War for Lebanon*, translated by Javad Safaei and Gholamali Rajabi Yazdi, Tehran: Sefir. [In Persian]
- Sanno, A. (2008), *The Lebanese War 1975-1990, The Separation of the State and the Fracture of Society*, Dar al-Arabiya Publishers
- Seldon, R. (1998), *Guide to Contemporary Literary Theory*, translated by: Abbas Mokhbar, Tehran: New Design. [In Persian]
- Shamisa, C. (1999), *Element of story*, Tehran: Samit. [In Persian]
- Stones, Robert (2006), *Great Thinkers of Sociology*, translated by Mehrdad Mir Damadi, Tehran: markaz. [In Persian]
- Zarin Koob, A. (2008), *literary criticism*, volume 1, third edition, Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Zima, P. (1998), *Sociology of the novel from the point of view of Goldman*, translator: Mohammad Jafar Poindeh, Tehran: Naqsh Jahan. [In Persian].